از چشم غربی

رازهای لاغر ماندن در هالیوود

زندگی ستاره‌ها

درست بعد از جنگ جهانی دوم بود، از همان روزهایی که در گیرودار جنگ و کمبود پارچه مدل‌های لباس تغییر کرد، همان روزهایی که دیگر زن‌ها لباس‌های پرچین و واچین را به خاطر تنگناهای اقتصادی کنار گذاشتند و به بلوز و دامن‌های «فون» روی آوردند، چاق بودن تبدیل به یک گناه بزرگ شد. دیگر نمی‌شد شکم‌های بزرگ را زیر دامن‌های پفی قایم کرد، دامن‌های تنگ و لباس‌هایی که دیگر نمی‌شد عیبی را در آن پنهان کرد با چاقی منافات داشت و به این ترتیب در وانفسای سال‌های پس از جنگ لاغر بودن هم تبدیل به یکی از معیارهای زیبایی شد.

این روزها هم ستاره‌های هالیوود و دنیای مد درست مانند فقرای اتیوپی و گرسنگان کشورهای قحطی‌زده شکم‌شان را به دنده‌هایشان می‌چسبانند و گاهی آنقدر پیش می‌روند که مانند «شر» خواننده محبوب موسیقی پاپ برای لاغری بیشتر چند دنده را از قفسه سینه‌اش بیرون آورد. حالا هم خیلی سخت است آدم‌های چاق در هالیوود پیدا کنید. ستاره‌های امروز لاغر و باریک هستند.

اما نکته جالب رازهای لاغر ماندن این ستاره‌هاست. همه آنها دوست دارند بگویند لاغر بودن‌شان ربطی به مد ندارد، بلکه ژن‌های طبیعی آنها به این هیکل ختم می‌شود. آنها دوست دارند رازشان برای لاغر ماندن را در عدم علاقه‌شان به غذای آشغال یا گذراندن با بچه‌هایشان در اطراف و قدم زدن اعلام کنند، اما اینجاست آنچه شما باید بدانید.

اسکلت برقی‌های دروغگو

گونار پترسون یکی از مربیان ستاره‌های مد و سینما، کسی که مربی آنجلینا جولی، جنیفر لوپز و پنه لوپه کروز است، می‌گوید: «من مربی یکی از هنرپیشه‌های زن سینما بودم که چهار روز در هفته کلاس تمرین به علاوه کلاس‌های روزانه دوچرخه‌سواری داشت، اما هنگامی که خبرنگارها از او درباره تغییر هیکلش پرسیدند، گفت: من ساعت‌ها مشغول ورزش یوگا هستم و با سگم پیاده‌روی می‌کنم. این برای من خنده‌دار بود. آنها دروغ می‌گویند و هیچ کدام دوست ندارند درباره اینکه نصف روزشان را در باشگاه‌های بدنسازی می‌گذرانند، حرف بزنند. سال ۲۰۰۵ جنیفر آنیستون تنها چهار میلیون دلار برای تجهیز یک باشگاه بدنسازی شخصی خرج کرد و با سه مربی بدنسازی روزانه شش ساعت را صرف ورزش می‌کرد، به عبارتی اگر این ستاره‌ها دست از مصرف الکل و مواد مخدر بردارند خیلی زود سر از المپیک درمی‌آورند.

آنها مواد مصرف می‌کنند

هنگامی که لیندسی لوهان به خاطر مستی در رانندگی دستگیر شد، پلیس گفت آنها در جیبش کوکایین پیدا کرده‌اند. پاریس هیلتون هم در برنامه تلویزیونی «لری کینگ» تصدیق کرد که از داروی «آدرال» برای کمبود خواب و کسالت استفاده می‌کند. هر دو این مواد مخدر به وسیله زنانی استفاده می‌شود که می‌خواهند وزن کم کنند. دختران هالیوودی به استفاده از این مواد مخدر شناخته شده‌اند؛ ماده‌ای که به آسانی به آن دسترسی دارند تا برای وزن کم کردن به آنها کمک کند. در حال حاضر، آدرال آخرین مد مواد رژیمی در هالیوود است که تعداد زیادی از ستاره‌های سینما از آن استفاده می‌کنند و به آن معتادند. در واقع تا امروز هر زن سلبریتی که دستگیر شده است، از پاریس هیلتون تا نیکول ریچی و از لیندسی لوهان تا بریتنی اسپیرز آدرال در کیف‌شان پیدا شده است. این مخدر معتاد را هوشیار نگه می‌دارد، اما اشتها را کاملاً از بین می‌برد. برای دختران هالیوود آدرال یک قرص معجزه‌بخش است هر چند عوارض خطرناکی دارد. آدرال می‌تواند سبب روان‌پریشی، افسردگی و مشکلات قلبی جدی شود، با این حال اگر نبود احتمالاً زنان هالیوود دوباره باید سراغ همان لباس‌های چین و واچین می‌رفتند.

«کارولین کاستین» کارشناس اختلالات غذا، کسی که بسیاری از ستاره‌های زن هالیوودی را درمان کرده است، می‌گوید: «حتی دیده شده است مصرف زیاد این دارو در آنهایی که استفاده کرده‌اند باعث چروک شدن پوست شده است. بعضی از سلبریتی‌ها از کلین بوترول که به کلین معروف است استفاده می‌کنند. این دارو معمولاً برای درمان مشکلات تنفسی در اسبها تجویز می‌شود اما در انسان‌ها نیز می‌تواند چربی بدن را کم کند، با این حال فعلاً کلین داروی محبوب شماره ۲ برای لاغری‌های کشنده است. البته تا یک زمانی کلین بوترول و آدرال یک داروی لاغری موثری در کوتاه‌مدت است، اما پس از آن مصرف‌کنندگان این مواد یک کاهش وزن ناگهانی و غیرقابل کنترل را گزارش می‌کنند. در واقع این مواد سوخت و ساز و متابولیسم طبیعی بدن را متوقف می‌کند.»

«جاستین گلبند» مربی مشهور نیویورکی که با مدل‌ها و مانکن‌های زیادی در فشن و مجلات کار کرده است، می‌گوید: «رژیم‌های قرصی و استروئیدی این روزها بیشتر است. پس از آنکه کتی موس به اتهام مصرف کوکایین دستگیر شد، آژانس‌های کاریابی مدل‌ها شروع به تغییر نوع رژیم مصرفی مدل‌ها کردند. آنها امروز بیشتر از رژیم‌های قرص و استروئید استفاده می‌کنند. این رژیم‌ها برای مخفی کردن آسان‌تر است. دختران می‌توانند بگویند نسخه دارند.»

رژیم تخم‌مرغ آب‌پز

در طول فیلمبرداری فیلم اسکاری کوهستان سرد بود که شایعه شد یکی از هنرپیشه‌های زن مشهور تنها تخم‌مرغ آب‌پز می‌خورد. او صبح بیدار می‌شد و یک تخم‌مرغ می‌خورد و سپس ناهار یکی دیگر و آخر شب شاید دو تا تخم مرغ آب‌پز. این همه رژیمش بود و ظاهراً او تنها نیست. «دیوید کرش» مربی سلبریتی‌ها می‌گوید: من مشتری‌ای داشتم که برای اسکار آماده می‌شد. او یک وعده در روز غذا می‌خورد؛ فقط دو تا تخم مرغ آب‌پز.من تنها موفق شدم متقاعدش کنم که مقداری بادام و پروتئین و ویتامین به این رژیم اضافه کند.

«پاریس هیلتون» که اخیراً به رستوران مشهور «نوبو» در نیویورک رفت، موقعی که گارسون از او برای سفارشش پرسید، آرام گفت: آب معدنی و پس از آن مدام سیگار پشت سیگار کشید. به نظر این جدیدترین رژیم غذایی اختراع پاریس هیلتون است.

کاترین هیگل هم از چهره‌های خبرساز دنیای رژیم و مد است. هر چند او برنامه غذایی سالمی را دنبال می‌کند، اما او یک سلاح مخفی دارد. هیگل دائماً سیگار می‌کشد. چند روز قبل این بازیگر زیبای بلوند به رستورانی در لس‌آنجلس رفت. او فقط یک سالاد سفارش داد اما پشت سر هم سیگار کشید. این روزها به ندرت عکسی از او بدون سیگار در دهانش دیده شده است. مارک دیوید روانشناس تغذیه و نویسنده کتاب «رژیم غذایی آرام» می‌گوید: این واقعاً یک انتخاب است. شما با احترام امکان سرطان ریه و تهدید بدن‌تان و نزدیک شدن مرگ را انتخاب می‌کنید و همه اینها تنها برای این است که لاغر بمانید.

آنها بادام‌زمینی می‌خورند

مربی سوپر مدل‌های یک کمپانی بزرگ شو لباس در ایتالیا می‌گوید: «من دختری داشتم که با رژیم کوکایین و بادام زمینی زندگی می‌کرد. او روزی سه تا پنج بار کوکایین مصرف می‌کرد و مقدار زیادی آجیل می‌خورد. اگر هم گرسنه می‌شد سیگار می‌کشید. واقعاً خیلی از ستاره‌هایی که با من تمرین می‌کنند، در آستانه تلف شدن از گرسنگی هستند. موقع تمرین مجبور بودیم هر پنج دقیقه توقف کنیم. وحشتناک بود او حریصانه کافئین به بدنش وارد می‌کرد.»

عکاس‌های پاپاراتزی مدام از هنرپیشه‌های پوست و استخوانی هالیوود مانند مری کیت اولسن و رنه زلوگوگر عکس می‌گیرند. آنها با عینک‌های آفتابی غول‌مانندشان مرتباً به استارباکس‌ها می‌آیند و مقدار زیادی قهوه می‌نوشند. این یک گرایش جدید در هالیوود است؛ جایی که بسیاری این باور را دارند که قهوه باعث می‌شود متابولیسم بدن زیاد شود و همچنین جلوی گرسنه شدن را می‌گیرد، هر چند سرگیجه به همراه دارد.

شیلا پورتمن یکی از پرطرفدارترین مربیان بدنسازی در لس‌آنجلس است. او می‌گوید: «مشتری‌ای داشتم که تقریباً همه روز چیزی نمی‌خورد. فکر می‌کنم در معده‌اش به اندازه همه استارباکس قهوه می‌ریخت، البته وقتی می‌خواست جشن بگیرد چند پر کاهو هم کنار پاتیل قهوه‌اش اضافه می‌کرد.»

مارک دیویس متخصص تغذیه گیاهی می‌گوید: «قهوه و کافئین می‌تواند واقعاً شما را چاق کند. اگر شما قهوه زیاد بنوشید کافئین به صورت یک پاسخ فشاری در بدن‌تان خواهد بود و باعث افزایش سطح کورتیزول و انسولین بدن خواهد شد که مقادیر بالای این سطوح می‌تواند باعث شود بدن چربی ذخیره کند.»

این فقیرهای پولدار

کیت هادسون برای رسیدن به وزن مطلوب برای بازی در فیلم پس از حاملگی رایدر روزی سه ساعت در روز و به مدت سه ماه در سالن ورزش بود تا بتواند ۳۰ کیلو وزن کم کند. جسیکا سیمپسون برای بازی در دیزی دوک روزی دو ساعت و به مدت شش هفته سخت تمرین کرد. جاستین گلبند می‌گوید: «فقط یک آدم معتاد می‌تواند اگر ورزشکار حرفه‌ای نباشد، روزی شش ساعت را در سالن ورزش سپری کند. آنها از پولی که دارند هیچ لذتی نمی‌برند. اغلب ستاره‌های هالیوود نصف سال را از شدت گرسنگی سرگیجه دارند و بقیه سال را هم برای لاغر ماندن خمار هستند. بازیگر- خواننده‌ای را می‌شناسم که حدود پنج ساعت در روز و حتی آخر هفته‌ها تمرین و ورزش می‌کند. او حتی روز تولدش را نیز آنجا گذراند.»

کریسمس از راه رسید

شهر لیون این روزها غرق در نور

کریسمس هر جای دنیا با رسم و رسوم‌های متفاوتی جشن گرفته می‌شود و در این میان اهالی شهر لیون در فرانسه شهرشان را غرق در نور می‌کنند. سابقه این جشن حالا بالاتر از ۱۵۰ سال است. بسیاری معتقدند این جشن از سال‌های دور و با روشن کردن مشعل‌های آتش در گوشه و کنار شهر آغاز شده است. اما در طول ۱۲ سال گذشته این مراسم به «جشنواره نور» تبدیل شده است. نقاط مختلف این شهر به اشکال گوناگون نورپردازی شده و هنرمندان فرانسوی در گوشه و کنار هنرنمایی می‌کنند. این جشن بر اساس یک سنت قدیمی در بین مردم این شهر هر سال از هشتم دسامبر آغاز می‌شود و تا پایان دسامبر ادامه خواهد یافت. اوج این نورباران در شب ۱۸ دسامبر است که در این شب شهر لیون یکپارچه نور می‌شود. این جشن که ریشه مذهبی دارد با بهره‌گیری از متد روز و امکانات فنی پیشرفته منبع درآمد بسیار خوبی برای این شهر شده است. در مدت برگزاری این جشن، علاوه بر اهالی این شهر، توریست‌های بسیاری از کشورهای مختلف برای شرکت در این مراسم به شهر لیون سفر می‌کنند؛ مراسمی که به گفته بسیاری از جهانگردان، اتفاقی فراموش‌نشدنی برای آنان است. ریشه این جشن مذهبی به سال ۱۶۴۳ بازمی‌گردد. در آن سال ثروتمندان شهر تصمیم گرفتند به پاس نجات شهر لیون از بیماری طاعون مجسمه‌ای طلایی از مریم مقدس را در بالای کلیسای شهر لیون قرار دهند. از آن تاریخ به بعد و همه‌ساله در فاصله روزهای هشتم تا یازدهم دسامبر مردم این شهر با روشن کردن شمع و نورانی کردن شهر مراسم جشن نورها را برگزار می‌کنند. افزون بر همه اینها امکانات تازه‌ای هم در این شهر برای توریست‌ها در نظر گرفته شده است. در واقع امکان کرایه دوچرخه در هفت‌روز هفته و ۲۴ ساعته برای افراد ۱۴ سال به بالا وجود دارد. تنها به یک کارت دسترسی نیاز است. افراد به سادگی کارت خود را مقابل کارتخوان نگه می‌دارند و پس از شناسایی، شماره کارت خود را وارد می‌کنند. این روزها در لیون ۳۴۰ ایستگاه اجاره دوچرخه راه‌اندازی شده است که در مجموع چهار هزار دوچرخه در آنها اجاره داده می‌شود و این روزها توریست‌هایی که برای تماشا و شرکت در جشن نور راهی این شهر شده‌اند از این طرح استقبال کرده‌اند.

این پتی اسمیت متفاوت

پتی اسمیت مادر موسیقی راک جهان هنرهای دیگری هم دارد. او که در تمام این سال‌ها بهترین دوستانش نویسندگان درجه یک امریکایی بودند، حالا با کتاب تازه‌اش ثابت کرده که نویسنده قهاری است. با این حال پتی اسمیت در گفت‌وگوهایش از چهره‌های تازه‌ای نام برده است، از دوستی عمیق‌اش با روبرتو بولانیو حرف می‌زند و از تاثیری که از نویسنده شیلیایی همچون بولانیو داشته تقدیر کرده است.

«پتی اسمیت» شاعر نوجوان و فقیری بود که در اوایل دهه ۶۰ میلادی از سواحل جنوبی نیوجرسی به نیویورک آمد تا شانس خود را آزمایش کند. در آن زمان مادرش انتظار داشت «پتی» هم مثل او شغل پیشخدمتی رستوران را دنبال کند اما او آرزوهای بزرگ‌تری داشت و به دنبال ابدی شدن، زیبایی و یک زندگی جادویی بود.

«پتی اسمیت» از همان زمان با شعرایی چون «بلیک»، «بودلر»، «ریمباد» و شاعران نسل موسوم به «بیت» آشنا بود و می‌خواست یکی از آنها باشد. او در نهایت توانست تبدیل به «زن رنسانس» نسل پانک و یک آهنگساز، خواننده و نوازنده برجسته موسیقی راک شود. اما پیش از آنکه این رویاها به حقیقت بپیوندند، اسمیت باید تصویری فرامدرن از خود ارائه می‌داد تا از طریق شخصیت یکتا و شعری که می‌سرود، خود را پایدار و پویا سازد. در روزهای نخست ورود به نیویورک، پتی دوستی نداشت و کسی را نمی‌شناخت. نه امیدی به پیدا کردن شغلی داشت نه طرح و نقشه‌ای ملموس و قابل اجرا برای آینده.

در ماه جولای سال ۱۹۶۷ پتی اسمیت ۲۱ساله به کمک چند رانده‌شده و «هیپی» دیگر غذایی می‌خورد و شب‌ها را زیر سقفی می‌گذراند. نهایتاً او در یک کتابفروشی مشغول به کار می‌شود. در همین زمان است که «پتی اسمیت» با «رابرت میپلتورپ» آشنا می‌شود که او هم ۲۱ساله و فقیر است و این دو در آپارتمان محقری در «بروکلین» مستقر می‌شوند. پتی و رابرت با وجود فقیر بودن از یک دید هنری برجسته و سلیقه خاص در انتخاب لباس‌های دست دوم و ارزان برخوردار بودند. آنها به زودی به سرآغاز راهی که در نهایت به موفقیت در رشته‌های هنری مختلف برای هریک از آنها ختم می‌شد، رسیدند. «پتی اسمیت» در یک بررسی دقیق و گاه حتی دردناک از شخصیت ظاهری خود، به وجوه مشترک فراوانی که بین او و «رابرت میپلتورپ» وجود دارد، پی می‌برد. اسمیت در کتاب «فقط بچه‌ها» می‌نویسد: «ما هر دو برای روح رابرت دعا می‌کردیم. من دعا می‌کردم که خداوند در برابر وسوسه‌های شیطانی حافظ او باشد و او دعا می‌کرد که بتواند روحش را به شیطان بفروشد و دائم آهنگ «سمپاتی برای شیطان» رولینگ استون را زیر لب زمزمه می‌کرد!» «پتی» و «رابرت» هردو متولد ۱۹۴۶ و هر دو در میان خانواده‌هایی فقیر بزرگ شده بودند. اسمیت اهل «جرمن تاون» پنسیلوانیا بود که بعدها به «نیوجرسی» نقل مکان کرد و «رابرت» در یک خانواده کاتولیک در «لانگ آیلند» نیویورک بزرگ شده بود. آن دو مثل هر نامزد دیگری داستان‌های کودکی خود را برای دیگری تعریف کرده بودند. پتی اسمیت می‌نویسد: «ما همیشه در این مورد با هم شوخی می‌کردیم و می‌خندیدیم. در این مورد که من دختر بدی بودم که می‌خواستم خوب باشم و او پسر خوبی بود که می‌خواست بد باشد.» البته هر دو هنرمند توانستند در نهایت به این آرزوهای خود نیز برسند. «رابرت» فرزند مورد علاقه و توجه مادرش بود و در بچگی برای مادر گردنبندهایی از نگین‌های پلاستیکی ارزان می‌ساخت. اما بعدها عکس‌هایی که او را به عنوان یک عکاس برجسته به معروفیتی جهانی رساند، نمایانگر دردهای انسانی، غیرمتعارف و حتی عکس‌هایی ساده و معصومانه از کودکان بود. اما بعدها وقتی که او و «میپلتورپ» در بروکلین مستقر شدند، پتی اسمیت خود را در سرودن شعر گم کرد و تبدیل به نان‌آور خانه شد و از «رابرت» لاغراندام که در آن زمان با اشیای عجیب و غریب به شیوه «جوزف کورنل» امریکایی، محراب‌های هنری کوچک می‌ساخت، نگهداری می‌کرد. تنها چندین سال بعد بود که «رابرت میپلتورپ» هنر عکاسی را کشف کرد و تبدیل به یکی از اثرگذارترین عکاسان هنری جهان شد. در دورانی که هنوز اینترنت و «گوگل» وجود نداشت، دستیابی به اطلاعات و کتاب‌های هنری گران‌قیمت برای مردم عادی کار آسانی نبود. پس از گذشت سال‌ها، پتی اسمیت در کتاب «فقط بچه‌ها» هنوز هم به یاد می‌آورد که چگونه فقط چند کتاب هنری به عنوان مرجع در اختیار داشت و چطور او و «رابرت» صاحب تنها چند صفحه موسیقی و کتاب شعر بودند. اما او نخستین رویارویی خود با «ویلیام باروز» نویسنده و «آلن گینزبرگ» شاعر بزرگ نسل «بیت» را هرگز فراموش نمی‌کند؛ دو شخصیتی که اسمیت آنها را «قدیسان معبد من» خوانده است. او در کتاب «فقط بچه‌ها» می‌نویسد: «برخی از چیزهایی که شما در نیویورک با آن روبه‌رو می‌شوید واقعاً قابل توجه‌اند. مثلاً وقتی در مقابل گودال «بردلند» می‌ایستید که پیش از شما «جان کلترین» آن را لمس کرده است یا وقتی در کلوپ «فایو اسپات» که روزی «بیلی هالیدی» در آن آواز می‌خوانده است، می‌نشینید. جایی که اریک دولفی و اورنت کلمن برای اولین بار موسیقی «جاز» را رسماً افتتاح کردند.» «رابرت میپلتورپ» را اما بیش از همه، هنرمندان تجسمی و متفکری چون «دوشامپ» و «وارهول» تشکیل می‌دادند. او به عنوان یک روزنامه‌نگار هنری، گاه داستان‌هایی درباره «ترومن کاپوتی» و «ویلیام باروز» در نشریات به چاپ می‌رساند. او و «پتی» کتاب‌های «ژان ژنه» را با صدای بلند برای یکدیگر می‌خواندند و این تشویق‌های «رابرت میپلتورپ» بود که در نهایت به «پتی اسمیت» جرات داد تا اشعار خود را به شکلی تازه با موسیقی راک و بعدها پانک ارائه کند.

این سرسپاری‌ها و پیروی از «قدیسان» یا چهره‌های هنرهای جدید و یاد دوستان قدیمی در سراسر کتاب «فقط بچه‌ها» به چشم می‌خورد و نمایانگر ایمانی است که «پتی اسمیت» به استعدادهای درونی خود به عنوان یک انسان آزاد داشته است. کتاب «فقط بچه‌ها» هر خواننده‌ای را که بخواهد راه‌های رسیدن به یک حرفه هنری موفق را بیابد، سرگرم می‌کند. «پتی اسمیت» پس از آنکه در کافه «سنت مارکز» نیویورک اشعار خود را روخوانی می‌کند، ناگهان قدم به عرصه معروفیت و محبوبیتی کم‌نظیر می‌گذارد و به زودی پیشنهاد ضبط این اشعار را به شکل صفحه دریافت می‌کند. او بعدها به عنوان روزنامه‌نگار در نشریه موسیقی «رولینگ استون» به کار می‌پردازد و با «سام شپارد» نمایش مشترکی می‌نویسد. چندی بعد یک گیتار می‌خرد و با خودآموزی به نواختن آن می‌پردازد. او برخی از اشعار قدیمی خود را تبدیل به ترانه‌های جدیدی می‌کند. یک ارکستر تشکیل می‌دهد و به زودی در یک تور جهانی تبدیل به یکی از پرهوادارترین هنرمندان نورسیده موسیقی راک می‌شود. استعداد شاعری «پتی اسمیت» و عکس‌هایی که «رابرت میپلتورپ» از او گرفت هم بدون شک توانست راه‌های رسیدن به این موفقیت را برای او هموار کند. پتی اسمیت در این مورد می‌نویسد: «رابرت می‌خواست یک تصویر متفاوت از من ارائه کند و من هم می‌خواستم بتوانم لیاقت این تصویر را داشته باشم.» به زودی عکس‌های «رابرت میپلتورپ» هم که عکاسی خودآموخته است در گالری‌های مختلف نیویورک به نمایش درمی‌آید؛ عکس‌های او از «پتی اسمیت»، تصاویری از شهر نیویورک توام با پسرهای چرم‌پوش و مردانی در لباس مبدل زنانه، طبقه اشرافی، موزیسین‌های راک‌اندرول، بچه‌ها و کلکسیونرهای هنری. کتاب «فقط بچه‌ها» همچون نخستین گالری آثار عکاسی «رابرت میپلتورپ» نمادی است از همه چیزهایی که نیویورک دهه ۷۰ میلادی را تبدیل به یکی از هیجان‌انگیزترین شهرهای دنیا کرده بود؛ خطرها، فقر، جدی بودن هنر و این احساس بی‌مانند که هر هنرمندی در این شهر با یک رشته نامرئی به هنرمندان بزرگی که روزی در آن قدم به عرصه وجود گذاشته‌اند، ارتباط دارد.

«پتی اسمیت» در کتاب موفق و پرفروش خود از جامعه هنری کوچکی سخن رانده است که در آن زمان ناگهان تبدیل به مرکز فرهنگی جهان غرب شده بود.

کتاب «فقط بچه‌ها» امسال جایزه «کتاب ملی امریکا» را در رده‌بندی کتاب‌های غیرداستانی و واقعی به دست آورد.

دریچه

از ساختمان عجیب ویکی‌لیکس تا مجسمه آسانژ

ویکی‌لیکس و جولیان آسانژ بمب‌های خبری بسیاری را در دنیای سیاست و اقتصاد راه انداختند، اما خود جولیان آسانژ هم در این میان با پاپوش‌ها و حاشیه‌های زندگی خصوصی‌اش خبرساز شده است.

اگر علاقه‌مند به فناوری باشید، احتمال دارد تصاویری از محل کار شرکت‌های بزرگی مانند گوگل، مایکروسافت، فیس‌بوک یا توییتر را دیده باشید و از زیبایی محل کار آنها شگفت‌زده شده باشید. اما پایگاه داده‌ها و محل کار کارکنان فنی ویکی‌لیکس هم بی‌نظیر است.

محافظت سایبری چنین پایگاه داده‌ای از شر هکرها، اولویت اول جولیان آسانژ است. از سوی دیگر به خاطر اینکه میلیون‌ها سندی که در دست ویکی‌لیکس است عمدتاً متنی هستند، شاید همه آنها را بتوان در یک مموری‌استیک یا یک هارد اکسترنال با ظرفیت بالا ذخیره کرد و با استفاده از سایت‌های آینه متعدد، انتشار در تورنت و استفاده از سرورهای اشخاص داوطلب علاقه‌مند، دسترسی مردم را به اسناد بیمه کرد.

اما با این وجود پایه‌گذاران ایده‌آلیست ویکی‌لیکس، اهمیت زیادی به محافظت فیزیکی از پایگاه اصلی ذخیره اسناد ارزشمندشان داده‌اند. نکته جالب‌تر این است که ذوق هنری جالبی هم در طراحی چنین محلی داشته‌اند.

پایگاه داده ویکی‌لیکس در استکهلم سوئد قرار دارد. در محله پیونن پناهگاهی قرار دارد که هم‌اکنون میزبان پایگاه داده ویکی‌لیکس است. تاریخچه این پناهگاه به سال ۱۹۴۳ و زمان جنگ جهانی دوم برمی‌گردد. در دهه ۷۰ و دوران جنگ سرد، این پناهگاه مبدل به پناهگاه حملات هسته‌ای شد. شرکتی به نام Bahnhof بعدها صاحب این پناهگاه شد و آن را به یک دیتاسنتر تبدیل کرد تا اینکه در سال ۲۰۰۷ یکی از پایه‌گذاران ویکی‌لیکس به نام جون کالونگ آن را خرید.

مسوولیت طراحی داخلی این پناهگاه به یک آرشیتکت سوئدی به نام «آلبرت فرانس لانورد» داده شد. به نظر می‌رسد او با الهام گرفتن از یکی از فیلم‌های سری جیمز باند به نام Moonraker که در سال ۱۹۷۹ ساخته شده بود، با نبوغ و سلیقه قابل تحسینی، طراحی این دیتاسنتر را به اتمام رساند، تا اینکه در سال ۲۰۰۸، پایگاه داده‌های ویکی‌لیکس رسماً تحویل مسوولان آن شد.

آسانژ این روزها اما در راهرو عجیب این ساختمان رفت و آمد نمی‌کند و مجبور است با ردیاب الکترونیکی‌ای که به پایش بسته‌اند در ویلای یکی از دوستانش در الینگهام‌هال لندن این طرف و آن طرف برود.

گرچه جولیان آسانژ به تنهایی روزهای زندان را گذراند اما مجسمه‌های او در ناپل ایتالیا در میان دیگر شمایل تنها نیست.

شهر ناپل که در جنوب ایتالیا قرار دارد، به دلیل ساخت شمایل و مجسمه‌ها شهرت جهانی دارد. این روزها به سبب در صدر قرار گرفتن اخبار مربوط به ویکی‌لیکس و جولیان آسانژ، او تبدیل به سوژه‌ای در میان مجسمه‌سازان ناپل شده است.

دی ویرجیلیو ۲۹ ساله یکی از این مجسمه‌سازان است که سال‌ها با خانواده‌اش به این حرفه مشغولند. او مجسمه‌ای از آسانژ ساخته که لپ‌تاپی را در دست دارد.

ویرجیلیو عنوان می‌کند: «شهرت جهانی آسانژ موجب ساخت این مجسمه شد.» وی همچنین می‌گوید تنها یک مجسمه از وی ساخته و با تقاضای بیشتر مجسمه‌های بیشتری را خواهد ساخت.

قیمت این مجسمه ۱۳۰۰ یورو است. به نظر می‌رسد با توجه به افزایش شهرت ویکی‌لیکس، در آینده شمایل بیشتری از آسانژ فروش برود.

سودوکو شماره ۱۲۷

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

					6	1		
	2	1	4					8
8			2				4	
9	4		1	5				
7								1
				7	4		6	5
	9				3			4
6					5	3	7	
		8	9					

حل سودوکو شماره ۱۲۶

1	4	6	9	3	8	7	2	5
9	5	7	6	4	2	1	3	8
3	8	2	5	7	1	6	9	4
4	6	5	2	1	9	8	7	3
2	3	1	7	8	5	4	6	9
8	7	9	4	6	3	2	5	1
6	1	4	3	5	7	9	8	2
7	2	3	8	9	4	5	1	6
5	9	8	1	2	6	3	4	7

جدول شماره ۱۱۱۹

افقی

۱- نخستین پایتخت ایران قدیم در عهد هخامنشیان- اسیدنیتریک ۲- زبانه آتش- رنگارنگ- نابینا ۳- آژیر- ویرایش- سرها ۴- ناگزیر- از توابع استان گیلان- بنای حکومتی ۵- نوعی رسن مرتجع- مستقیم و درست- ارعاب ۶- میوه ریز و آبدار- از همسایگان روسیه- دوبیتی‌های محلی ۷- ناگوار- اهلی- جاهل، احمق ۸- زمزمه‌گر- دردی در حفره شکم یا مجاری صفرا و کلیه ۹- خراج- خزنده گزنده- عالم و آگاه ۱۰- خندان- دین برتر- حشره پرکار ۱۱- در ... بسی امید است- با سرعت زیاد بدون توقف- نشانه مفعولی ۱۲- اولین تبعیدگاه ناپلئون- وجود ندارد- پوست حیوان می‌کند ۱۳- جایگاه- بالش- بی‌باک، شجاع ۱۴- سوره هفتاد و هشتم- کشف رازی- هر چیز که مو را بریزاند ۱۵- صداق عروس‌خانم- عکاس.

عمودی

۱- جانوران بسیار ریزی که در سطح آب دریا شناورند- پایتخت کشور بحرین ۲- ساکنان خانه- زنده‌دل- کتابی نوشته شاتو بریان فرانسوی ۳- ماده روان با شکل متغیر- گروه ورزشی- گروهی از گیاهان علفی با گل‌ها و برگ‌های معطر ۴- نیکوکاران- خندان- اسفنج مصنوعی ۵- مستراح- یار ویس- از ویتامین‌ها ۶- ناپیدا- کد یمین- زراعت به امید باران ۷- کلمه استثنا- همزاد، همراه- فاقد تحرک و تکامل ۸- از آلات موسیقی- رطوبت- فلز رسانا- انجام کار بدون فرمایش کسی ۹- نابودی و انهدام- شکل و هیکل- پژواک ۱۰- سوغات گجرات- ترکیب شیمیایی بلوری که در لحیم‌کاری استفاده می‌شود- سیلی ۱۱- طلیعه اعداد- آخور- به وجودآورنده ۱۲- توان- رودی در خوزستان- ترنج ۱۳- نامی که جغرافیدانان یونانی به ایران داده بودند- واحد شمارش شیشه- مشرق ۱۴- از اسباب نانوایی- سو- پشت و پس ۱۵- از ابزار درودگری- قسمت کوچکی از قطعه نثر.

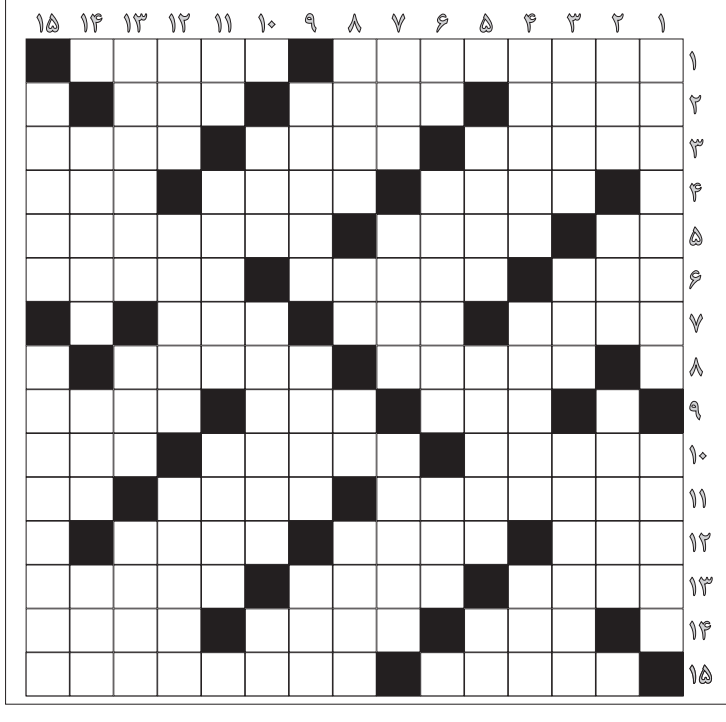
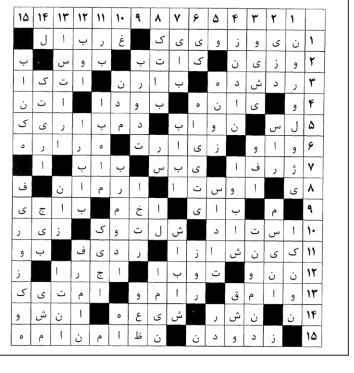
حل جدول شماره ۱۱۱۸